

و خيال فرعون در بر گرفته حتی از آن که  
 الغرور بادب مخالف بکستی در آمد خنای  
 گفته اند **بیت** با طبع ملولت جکند دل  
 کن ز در ستر طهم و نسی بنور لایو کستی  
 قال الله تعالی فاذا ارکبوا فی الفلک دعوا  
 الله مخلصین له الدین **سنت** دست  
 نضر ع حیدر سوز بندک محتاج بر وقت  
 در عابر جلا وقت گرم در بخت **قطعه**  
 این ز را کیم مراحق برسان خونین  
 هم شعی بر کبر و اندک این حاکم از نور  
 خواهد ماند حتی از کیم حتی از ز راه  
 آورده اند که در مصر اقرار در روین  
 داشت بقیه مال او توانگر شدند  
 جامهای گمنام بربک او بدایدند و چرا  
 در میاطی بر بداند هم در راه هفتد بکیم  
 این نشان در بزم بر باد با میروان  
 و غلام بری بیکر از بی روان **قطعه**

طاقت کفنتش ناندیس گفت سعدی  
 تو هم سخن بوی از آنجا که در بند و شنید  
 کفم **قطعه** آن شنیدستی که در صحای غوی  
 بارگسالاری بقتدار از سوره گفت  
 ختم تنک در بنادارها یا قناعت بر  
 کند با حاکم کور **حکایت** مال در راه  
 شنیدم که بخل معروف بود جنانک  
 حاتم طایی بگرم ظاهر جالس نعمت در بنا  
 آراسته و حشمت جبلی در نهادش  
 همچو **قطعه** ممکن که نانی بجانی از دست  
 بدادک و کبره ابو صهره را بلفه نوا  
 و سبک اصحاب کیمف را استخوانی  
 نیند حتی فی الجمل خانه او را کس ندان  
 در کتان و سفره او را سر کتان **بیت**  
 در رویش بجز بوی طعامش نشنیدی  
 مرغ از بی نان خوردن او برین بچید  
 شنیدم که بدایای مغرب راه حضر کرده

در جلال

Copyrighted by King Suleiman University